

اخلاق فردی

انس با قرآن

مقدمه

قرآن، معجزه جاوید پیغمبر خاتم (ص) و عصاره تمام کتب آسمانی دیگر است که بدون تحریف به دست ما رسیده و منبع اصلی برای دریافت اسلام ناب محمدی(ص) است. با تفکر در قرآن و تفسیر قرآن به قرآن می توان به سرچشمه تمییز حق از باطل و تشخیص راه صواب از راه خطا، دست یافت و سعادت دنیا و آخرت را با عمل به آن به دست آورد. برای بهره بردن از قرآن و آمیختن معانی آن با جان خود، یا باید به زبان قرآن که عربی است آگاه بود و یا اینکه از ترجمه‌های صحیح‌تر سود جست. مطالعه این درس، دانش پژوهان را در استفاده بهتر از قرآن به عنوان سرچشمه معارفی که فراتر از عقول بشری و نور هدایتی از ذات اقدس الهی برای تربیت انسان، یاری خواهد کرد. وظایف مهم ما نسبت به قرآن، راههای انس با کتاب خدا، آداب ظاهری تلاوت قرآن، آداب معنوی قرائت و انس با قرآن، عناوینی هستند که در این درس مطرح می شوند.

محتوای آموزشی

انس با قرآن

قرآن، منشور جاویدان اسلام و پیام آسمانی دین و معجزه جاوید پیامبر خدا (ص) است. نسبت به این کتاب عزیز به توصیه امامان معصوم (ع) سه وظیفه مهم داریم:

۱- خواندن و قرائت

۲- فهمیدن و تأمل و تدبر

۳- عمل و اجرای آن

وقتی «خواندن» به عنوان یک تکلیف مطرح است، تهیه مقدمات آن هم لازم است. «قدرت بر قرائت» مقدمه قرآن خوانی است. پس شرکت در جلسات قرآن یا فراهم ساختن زمینه آموزش قرآن خوانی به فرزندان و خانواده وظیفه اولیه در مقابل قرائت قرآن است. تشویق فرزندان و شاگردان و دوستان به قرائت نیز در همین راستا از اهمیت برخوردار است و در کنار آن همه خواندنی که اوقات ما را به خود اختصاص می دهد، وقتی هم برای قرآن خوانی و انس با این کتاب مقدس باید اختصاص داد: «فاقروا ما تیسّر من القرآن». [۱] تا آنجا که میسر است، قرآن بخوانید.

قرآن خوانی، هم صحبت شدن با خداست و پیامبر خدا (ص) فرمود: «هرگاه یکی از شما دوست داشت با پروردگارش سخن بگوید، قرآن بخواند: «اذا حب احدکم ان یحدث ربه فلیقرء القرآن». [۲]

نیز آن حضرت فرمود: «علیک بقراءته القرآن، فإن قرأته كفاره للذنوب و سر فی النار و امان من العذاب». [۳] قرآن بخوان، که خواندنش کفاره گناهان و سپری در مقابل آتش و امان از عذاب است.

انس با کتاب خدا

مهمتر از اصل قرائت، همدم و انیس بودن با قرآن است. انس با قرآن یکی به آن است که هر روز مقداری از قرآن بخواند، دیگر آنکه در هر مسئله ای که پیش می آید به قرآن رجوع کند و این کتاب را پاسخ سؤالاتش و درمان دردهایش و راهنمای حیرت‌هایش قرار دهد.

امام صادق (ع) در توصیه به خواندن هر روز بخشی از این «عهدنامه الهی» می فرماید: «القرآن عهدالله الی خلقه، فقد ینبغی للمراء المسلم ان ینظر فی عهده و ان یقرء منه فی کل یوم خمسین آیه» [۴] قرآن عهد خدا با بندگانش است و سزاوار است که انسان مسلمان در عهد الهی بنگرد و روزی پنجاه آیه از آن را تلاوت کند. البته تلاوتی همراه با تدبّر و دقت و توجه به وعده‌ها و وعیدها و امر و نهی‌های پروردگار.

امام سجاد (ع) فرمود: «اگر همه مردم جهان بین شرق و غرب عالم بمیرند، اگر قرآن با من باشد هرگز دچار وحشت نمی شوم». [۵] این نشانه انس آن حضرت با کلام الهی است. در روایاتی هم که توصیه به «مجالست با قرآن» شده و آثار و برکات آنرا برشمرده است، این مجالست و همنشینی هم نوعی انس با قرآن است.

ادب تلاوت قرآن

برخورد باید همراه با ادب باشد، این ادب، هم در جنبه ظاهری است هم باطنی. ادب ظاهری آن است که انسان با وضو و پس از مسواک زدن قرآن بخواند، رو به قبله تلاوت کند، با صدای زیبا بخواند، هنگام شنیدن آیات قرآن به احترام آن گوش دهد، به لحن و آهنگ عربی و تجوید خوب بخواند، قرآن را حفظ کند و به خاطر بسپارد، چیزی روی قرآن نگذارد، آنرا پرت نکند و بی احترامی نشود، کثیف و آلوده نکند، قبل از خواندن، استعاذه بگوید (اعوذ بالله من الشیطان الرجیم)، دعای قبل از شروع و دعای ختم تلاوت بخواند، با لحن و آهنگ اهل فسق و غنا نخواند و نکات دیگر که نشان دهنده رعایت ادب ظاهری نسبت به قرآن است. از محورهای یاد شده به چند حدیث اکتفا می شود:

۱- امام علی(ع): «لا یقرء العبد القرآن علی غیر طهور حتی تطهر» [۶]. بنده، قرآن را بی وضو نخواند، مگر آنکه وضو بگیرد.

۲- پیامبر خدا (ص): «حسنوا القرآن باصواتکم، فان الصوت الحسن یزید القرآن حسناً» [۷]. قرآن را با صدای نیکو بخوانید، چرا که صدای زیبا، قرآن را هم زیباتر می کند.

۳- پیامبر خدا (ص): «ان افواهم طرق القرآن فطیبوها بالسواک». دهان های شما راه قرآن است، پس این راه ها را با مسواک تمیز و پاک کنید.

ادب باطنی قرائت قرآن

حالات قلبی و روحی و توجه به معانی و مفاهیم کلام الله و اثرپذیری از تلاوت ها و خود را مخاطب کلام خدا دانستن و گوش جان را پذیرای پیام الهی قرار دادن و بی اعتنایی به اوامر و نواهی آن نبودن و عمل را طبق وعده و وعید خدا ساختن از جمله ادب معنوی قرائت و انس با قرآن است. این نکات، سبب می شود حالت رقت قلب و صفای باطن و پذیرش قلبی نسبت به آن فراهم آید. اینک چند حدیث در این مورد:

۱- امام صادق (ع): «من قرء القرآن و لم یخضع لله و لم یرق قلبه و لا یکتسی حزناً و وجلاً فی سره، فقد استهان بعظیم شأن الله» [۸]. هرکس قرآن بخواند، اما در برابر خدا خاضع نشود و دلش حالت رقت پیدا نکند و در درون خود احساس اندوه و بیم نکند، عظمت الهی را سبک شمرده است. این همان نکته ای است که قرآن درباره مؤمنان یاد می کند که چون آیات الهی خوانده می شود، دلهایشان هراسان و خائف می شود و بر ایمانشان افزوده می شود: «انما المؤمنون الذین اذا ذکر الله و جلت قلوبهم و اذا تلیت علیهم آیاته زادتهم ایماناً» [۹]. این مضمون با عبارات دیگر هم دیده می شود. [۱۰]

۲- آن حضرت در توصیه ای دیگر فرموده است: «قف عند وعده و وعیده، و تفکر فی امثاله و مواعظه. و احذر ان تقع من اقامتک حروفه فی اضاعه حدوده». [۱۱] هنگام برخورد با وعده ها و وعیدهای الهی در قرآن بایست و در مثل ها و مواعظه های آن تفکر کن و پرهیز از اینکه با اقامه حروفش (توجه به قرائت لفظی و تجوید) به اضاعه حدودش (تباه کردن معنی و احکام آن) بیفتی!

۳- امام علی (ع) فرمود: «لاخیر فی قرائه لیس فیها تدبّر» [۱۲]، در قرائتی که تدبّر در آن نباشد، خیری نیست.

۴- امام سجاد (ع) فرمود: «آیات القرآن خزائن العلم، فکلما فتحت خزائنه فینبغی لک ان تنظر فیها». [۱۳] آیه های قرآن گنجینه های دانش است، پس هر گنجینه ای را گشودی، سزاوار است که در آن به دقت بنگری.

۵- در سیره حضرت رضا (ع) نقل شده است که وقتی آن حضرت در مسیر خراسان بود، شبها در رختخواب خویش بسیار قرآن می خواند و چون به آیه ای می رسید که در آن یادی از بهشت یا جهنم است، گریه می کرد، از خدا بهشت می طلبید و از آتش دوزخ به آن پناه می برد. [۱۴]

۶- در آیات و روایتی هنگام سخن از قرائت و تلاوت تعبیر «حق تلاوته» به کار رفته است، یعنی تلاوتی در خور این کتاب و شایسته این کلام الهی، که شامل هم ادب ظاهری و هم باطنی می شود و تلاوت شایسته قرآن، آن است که همراه با فهم، تدبّر، خشوع و عمل باشد. از جمله امام صادق (ع) در ذیل آیه «یتلون حق تلاوته» [۱۵] فرمود: «یرتلون آیاته، و یتفهون معانیه، و یعملون بأحكامه، و یرجعون وعده، و یخشون عذابه و تمثلون قصصه و یعتبرون امثاله و یأتون اوامره و یجتنبون نواهیه...» [۱۶] آیاتش را تلاوت می کنند، معانی آن را می فهمند، به احکامش عمل می کنند، به معده هایش امیدوارند، از عذابش می ترسند، داستان های آن را الگو قرار می دهند. از مثل های آن عبرت می گیرند، فرمانهایش را عمل می کنند و از نهی های آن می پرهیزند.

قرآن فروغ و شمع محفل هاست

جان از پیامش شور می گیرد

درسی ز اخلاص و وفا دارد

سرلوحه هر خط و هر دفتر [۱۷]

قرآن حیات روشن دلهاست

دل از فروغش نور می گیرد

عطر دل انگیزش صفا دارد

روشنگر سجاده و سنگر

- [۱] مزمل، آیه ۲۰.
- [۲] میزان الحکمه، حدیث ۱۶۴۹۷ به نقل از کنز العمال.
- [۳] بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۱۷.
- [۴] وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۸۴۹.
- [۵] کافی، ج ۲، ص ۶۰۲.
- [۶] وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۸۴۸.
- [۷] همان، ص ۸۵۹.
- [۸] بحار الأنوار، ج ۸۵، ص ۴۳.
- [۹] انفال، آیه ۲.
- [۱۰] از قبیل: زمر، آیه ۲۳، حدید، آیه ۱۲، ص، آیه ۲۹، اسراء، آیه ۱۰۷ تا ۱۰۹.
- [۱۱] بحار الأنوار، ج ۸۵، ص ۴۳.
- [۱۲] همان، ج ۸۹، ص ۲۱۱.
- [۱۳] همان، ص ۲۱۶.
- [۱۴] عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۸۲.
- [۱۵] بقره، آیه ۱۲۱.
- [۱۶] میزان الحکمه، حدیث ۱۶۵۱۷ به نقل از مجموعه ورام ۲۳۳۶/۲.
- [۱۷] برگ و بار، جواد محدثی، ص ۲۳۷.

چکیده

- به توصیه امامان معصوم (ع) خواندن، فهمیدن و تأمل و تدبر، عمل کردن، سه وظیفه مهم ما نسبت به قرآن است.
- یکی از مصادیق انس با کتاب خدا، این است که هر روز آیاتی از قرآن را بخوانیم و در هر پیش آمد و مشکلی به قرآن رجوع کند.
- با وضو بودن، مسواک زدن، تلاوت با صوت دلنشین، لحن نیکو و رعایت تجوید و گوش فرا دادن به قرآن از جمله آداب ظاهری تلاوت قرآن است.
- التفات به حالات قلبی و روحی در تلاوت قرآن، توجه به معانی و مفاهیم کلام الله و اثر پذیری از تلاوت و خود را مخاطب کلام خدا دانستن، از جمله آداب معنوی قرائت و انس با قرآن است.

تفکر

مقدمه

شکی نیست که حیات انسان حیاتی فکری یا از راه ادراک است و هر چه فکر درست تر و تمامتر باشد، زندگی نیز از استحکام بیشتری برخوردار می گردد.

نفس انسان قادر است که قوای مختلف را در راه سعادت دنیا و آخرت به کار گیرد، و این سعادت نیز جز یک زندگی علمی تکاملی نیست. در این سیر، تقواست که از افراط و تفریط در قوای نفس جلوگیری می کند و ملکه عدالت و اعتدال را که همان حکمت، شجاعت، عفت و ... است نصیب انسان می سازد و حیات علمی تکاملی یا حیات انسانی را حاصل می آورد. این امر، ارتباط متقابل بین اعمال صالح به مثابه حافظ اخلاق و اخلاق نیکو به عنوان حافظ افکار صحیح را می رساند.

هر چند قرآن کریم این طریق فکری را به عنوان محور زندگی انسان به تأیید می کند، ولی از نظر قرآن این حقیقت نیز قابل انکار نیست که با ورود انسان در بوستان ولایت الهی و تقرب به خدای تعالی، دری از باطن آسمان ها و زمین بر چشم دل او باز می شود که توفیق مشاهده آیات بزرگ و پنهان از چشم سر نصیبش می گردد و این طریق شهودی، با طریق فکری که ذکر شد منافعی نیست.

پژوهندگان اخلاق باید با عمل صالح و اخلاق نیکو، دل را بدین حیات فکری تکاملی و انسانی زنده بدارند تا بتوانند با ورود در ولایت الهی از طریق شهودی به تماشای حقیقت محض نائل آیند.

عناوینی که به این منظور در این درس طراحی شده اند عبارتند از: شناخت تفکر، موضوع و محور تفکر، یعنی تفکر در آیات الهی، قرآن، مرگ و غیره و همچنین تفکرات ممنوع.

تفکر

قدرت فکر و اندیشه، از مهم ترین نعمت های الهی است که می تواند پایه سعادت انسان قرار بگیرد. در سایه این عطیه الهی، انسان راه حق را تشخیص می دهد، خوبی ها و بدی ها را می فهمد و جلوی غلبه هوای نفس را می گیرد. عقل گنجی نهفته در درون انسان و حجت باطنی پروردگار است، به شرط آنکه آن را به کار بگیریم و از رهنمودهایش استفاده کنیم و اگر آن را از صحنه کنار بزنیم و تفکر و تعقل نداشته باشیم، زندگی هایمان حیوانی خواهد شد. خداوند، بدترین جنندگان را آنهایی می داند که کر و کورند و تعقل نمی کنند: «ان شر الدواب عندالله الصم البکم الذین لایعقلون» [۱].

در ارزش به کار انداختن عقل و فکر، همین بس که تفکر از بزرگترین عبادت هاست و ارزش هر عبادتی به پشتوانه تعقلی آن است و تفکر است که مجهولات را برای انسان حل می کند. لزوم اطاعت از خالق و پرهیز از معصیت را تبیین می کند. در آیات فراوانی از قرآن، خدای متعال ذکر اطاعت و شگفتی های خلقت و بیان حکمت ها و فرستادن وحی و رسول را با هدف تفکر انسان ها دانسته و در آخر اینگونه آیات، «لعلهم یتفکرون» دعوت به اندیشه و تفکر است [۲]. حضرت امیر (ع) می فرماید: «نبه بالتفکر قلبک...» [۳]، دلت را با تفکر، بیدار و هوشیار کن. و در ثمر بخشی این تفکر می فرماید: «التفکر یدعو الی البرّ و العمل به» [۴]، تفکر انسان را به نیکی و عمل به نیکی فرا می خواند. و به دلیل همین ثمربخشی و سعادت آفرینی تفکر است که یک ساعت تفکر، از عبادت یک سال برتر به شمار آمده است. امام صادق (ع) می فرماید: «تفکر ساعه خیر من عباده سنه» [۵]، نیز از آن حضرت روایت است که بیشترین عبادت ابوذر، پندگیری و عبرت آموزی بود: «کان اکثر عباده ابی ذر التفکر و الإعتبار» [۶]. نیز سخن امام علی (ع) است که: «لا عباده کالتفکر» [۷]. هیچ عبادتی همچون تفکر نیست.

موضوع و محور تفکر

با توجه به اهمیت و سازندگی و راه گشایی تفکر، باید دید تفکر درباره چه چیزی لازم، مفید و ارزشمند است؟ در آیات و روایات، موضوع تفکر هم بیان شده است. به چند مورد از آن ها اشاره می شود:

۱- تفکر در آیات الهی. آنچه در جهان هستی است. مولود اراده و قدرت خداست و هرکدام به نحوی دلیلی بر وجود او و برهانی بر اراده حکیمانه خداوند در خلقت موجودات است. تفکر درباره آنها، انسان را به خدا می رساند. این آیات، برخی

آیات نفسی است، شگفتی هایی که در وجود خود انسان است (چه در جسم و چه در روح)، و برخی از آنها آیات آفاقی است، یعنی آنچه در گستره جهان بیرون از وجود ماست، از گیاهان، حیوانات، کوهها و دریاها و جنگلها، ستاره ها و کهکشان ها و میلیون ها موجود ریز و درشت دیگر که همه از مظاهر صنع الهی اند. روش قرآن، ذکر نمونه های متعددی از اینهاست، با این هدف که مردم در آنها و فلسفه و حکمت و حق بودن آنها بیندیشند: «و تفکرون فی خلق السماوات و الارض ربنا ما خلقت هذا باطلا» [۸]. «تبین الله لکم الایات لعلکم تتفکرون» [۹].

۲- تفکر در قرآن. گرچه این کتاب الهی و جمله جمله اش، آیه های خدایند، اما به دلیل اینکه برخی در حقانیت و وحی بودن آن تردید و انکار داشتند، قرآن دعوت می کند که در خود این قرآن و اعجاز و بی همانندی آن و ناتوانی بشر از آوردن مثل آن، نبودن اختلاف و تضاد در آیات قرآن و معارف بلند و متعالی کلام الهی بیندیشید. از جمله این آیه: «افلا یتدبرون القرآن، ام علی قلوب اقفالها» [۱۰]، آیا در قرآن نمی اندیشید؟ یا آنکه بر دلهایشان قفس زده شده است؟

۳- تفکر درباره مرگ. عمر انسان گذرا و حیات او فانی است. مرگ، انسان را وارد مرحله جدیدی خواهد کرد که ثمره خوبی ها و بدی ها به او خواهد رسید. در این حقیقت باید اندیشید، تفکر درباره مرگ، ایجاد آمادگی برای پس از مرگ می کند و انگیزه برای برداشتن ره توشه راه آخرت پدید می آورد. از پیامبر (ص) نقل شده است: «افضل التفکر ذکر الموت» [۱۱]. بهترین تفکر، یاد مرگ است. تفکر درباره مرگ، غفلت را می زداید و دل را بیدار می سازد.

۴- تفکر درباره معاد. مراحل سختی که انسان پس از مرگ با آن مواجه خواهد بود، مثل عالم برزخ، حشر و حضور در عرصات محشر، محاسبه اعمال انسان، داوری خدا میان بندگان، عبور از صراط، سرنوشت و سرانجام بهشت یا جهنم و ... قابل تفکر است. آیات قرآن نمونه هایی از آن صحنه ها را بازگو می کند، تا فکر انسان معطوف به آنها شود و خود را آماده ورود به آن مراحل بسازد. [۱۲]

۵- تفکر در سرانجام تبهکاران. دنیا، موزه عبرت ها و پندهاست و تاریخ بشر، سرشار از مواظ است. تفکر درباره عاقبت گنهکاران و مفسدان و نابودی ستمگران و جباران از موضوعات مورد دعوت قرآن کریم است. بیان حکایات امت های پیشین برای عبرت گرفتن و اندیشه در سرنوشت آنان است «فاقصص القصص لعلهم یتفکرون» [۱۳]. قرآن نیز پس از ذکر نمونه های متعدد از سرانجام تبه انسان های بد، دعوت می کنید که ببینید عاقبت آنان چه شد و با تعبیر «کیف کان عاقبه الذین من قبلهم»،

«کیف کان عاقبه المجرمین»، «کیف کان عاقبه المکذبین» [۱۴] و ... به سرنوشت تلخ و عبرت انگیز آنان توجه می دهد، توجه و تفکر درباره آنان، برای خردمندان بسی آموزنده است.

۶- تفکر در نعمت های خدا. غفلت انسان از نعمت ها و صاحب آنها، او را ناسپاس می سازد. یاد کرد نعمت ها و فکر درباره انواع مختلف نعمت های نهان و آشکار و مادی و معنوی و کوچک و بزرگ، انسان را به لطف و احسان خدا درباره او آگاه می سازد و زمینه شکر و بندگی را فراهم می آورد. در حدیثی پیامبر خدا (ص) می فرماید: «عاقل باید وقت خود را سه بخش کند، ساعتی برای مناجات با خدا، ساعتی برای محاسبه نفس و ساعتی هم برای تفکر در آنچه خداوند درباره او انجام داده و به او عطا کرده است. : «و ساعه یتفکر فیما صنع الله عزوجل الیه» [۱۵]. امام علی (ع) فرموده است: «التفکر فی آلاء الله نعم العباد» [۱۶]، تفکر در نعمت های خدا، چه عبادت خوبی است.

۷- تفکر در اعمال خویش. این همان محاسبه عمل است و اندیشه درباره کارهای نیک و بد و یافتن راه برای افزایش صالحات و چاره ای برای جبران سیئات.

در کنار این همه توصیه به تفکر، از برخی تفکرها هم نهی شده است. از قبیل تفکر در ذات خدا، تفکر در غیر امور حکمت آمیز، تفکر در گناه، چراکه در برخی از اینها فکر انسان عاجز از درک است، در برخی هم فکر شیطانی انسان را به عملی شیطانی می کشد.

امام علی (ع) فرموده است: «من کثر فکره فی المعاصی دعته الیها». هرکه درباره گناهان زیاد فکر کند، معصیت ها او را به طرف خود می کشد. از این رو، ورودی ذهن و فکر را به امور ناپسند و وسوسه های شیطانی باید بست.



- [۱] انفال، آیه ۲۲.
- [۲] از جمله: آیه ۴۴، اعراف ۱۷۶، حشر ۲۱ و ...
- [۳] کافی، ج ۲ ص ۵۴.
- [۴] همان، ص ۵۵.
- [۵] بحارالأنوار، ج ۶۸، ص ۳۲۷.
- [۶] همان، ص ۳۲۳.
- [۷] همان، ص ۳۲۴.
- [۸] آل عمران، آیه ۱۹۱، نیز آیات رعد ۳ و ۴، زمر ۴۲، واقعه ۶۳ تا ۷۲، روم ۲۰ و ۲۱ و دهها آیه دیگر.
- [۹] بقره، آیه ۲۱۹.
- [۱۰] محمد، آیه ۲۴. نیز رک: بقره ۲۳، یونس ۳۸، اسراء ۸۸ و ...
- [۱۱] بحارالأنوار، ج ۶، ص ۱۳۷.
- [۱۲] از قبیل آیات: انفال ۵۰، انعام ۹۳، حج ۱ و ۲، عبس ۳۴.
- [۱۳] اعراف، آیه ۱۷۶.
- [۱۴] روم ۳، اعراف ۷۴ و نحل ۳۶.
- [۱۵] بحارالأنوار، ج ۶۸، ص ۳۲۳.
- [۱۶] غررالحکم، حدیث ۱۱۴۷.

چکیده

- تفکر از مهمترین نعمتهای الهی و پایه سعادت انسان است؛ زیرا با آن می توان به تشخیص راه حق از باطل، خوبی ها از بدی ها و جلوگیری از هوای نفس اقدام کرد.
- عقل، گنجی نهفته در درون انسان و «حجت باطنی» پروردگار است.
- در ارزش به کار بستن عقل و فکر، همین بس که تفکر از بزرگترین عبادت هاست و ارزش هر عبادتی به پشتوانه تعقلی آن است.
- اندیشه در آیات الهی، مرگ، معاد، سرانجام تبهکاران، نعمتهای خدا، اعمال خویش به عنوان برخی از موضوعات تفکر، در آیات و روایات مطرح شده اند.
- معصومین (ع) از تفکر در ذات خدا، امور غیر حکیمانه، و تفکر گناه آلود منع کرده اند.